سایه‌روشن

ماجرای دستگیری ۳نوجوان که پلیس به دنبال کشف اسرار مکتوم در سینه آن‌هاست

اعتیاد و سرقت با ضریب نوجوانی

محمدجواد ابوعطا| هر سه نفر در یک زمینه اشتراک داشتند و آن هم نوجوانی بود. نوجوانان امروز که باید پشت میز و در مدرسه باشند، به‌واسطه آموزش‌های مجازی و تعطیلی مدارس، حضورشان در جامعه از همیشه پررنگ‌تر است. نوجوانانی که آموزش‌های غیرحضوری، همه‌شان را گوشی به دست کرده است و اگر تا دیروز سدی به‌عنوان خانواده مقابلشان بود که حضور آن‌ها را در فضای مجازی کنترل می‌کرد، حالا به‌نوعی خود خانواده‌ها از فرزندانشان می‌خواهند که به‌اصطلاح آنلاین شوند و در کلاس‌های درس حاضر شوند. امروز بسیاری از خانواده‌ها دیگر نمی‌دانند چگونه باید فرزندشان را از آسیب‌های فضای سایبری حفظ کنند، همچون خانواده پسری شانزده ساله به نام «کیانوش» که گشت نامحسوس کلانتری آبکوه با مشاهده رفتار مشکوک این نوجوان در یکی از کوچه‌های منطقه فرامرزعباسی، موضوع را به رئیس کلانتری‌شان اعلام کردند. مأموران با راهنمایی‌های سرهنگ روحا... لطفی که از آن‌ها خواسته بود حرمت این نوجوان حفظ شود، به سراغ پسر رفتند. هنگام مراجعه مأموران، او با دیدن پلیس دچار ترسی عجیب شده و تلاش کرده بود تا کیسه پارچه‌ای آبی‌رنگی که در دست داشته را از خود دور کند. مأموران، کیسه را از او گرفته و در بازرسی محتویاتش سه بسته دو گرمی ماده مخدر گل (ماری جوانا) کشف کرده بودند. مأموران پس از هماهنگی با رئیس کلانتری با حفظ حرمت این نوجوان، او را به کلانتری منتقل کردند. با انتقال پسر به اتاق مشاوره کلانتری، پسر از ترس زبانش قفل شده بود. اما مشاور کلانتری او را آرام کرد. پس از کمی گفت‌وگو این نوجوان شانزده ساله سفره دلش را گشود و پس از معرفی خودش برخلاف لحظه اولیه رویارویی با پلیس که مدعی بود کیسه آبی‌رنگ را از لابه‌لای شمشادها پیدا کرده است، این بار به‌صراحت اعلام کرد که کیسه متعلق به خودش است. او به مشاور گفت که سال‌ها قبل پدر و مادرش از یکدیگر جدا شده‌اند و سال‌هاست که از آغوش آرام مادرش دور است و البته دلتنگ. او از پدری سرد و خشن گفت که اعتیادش سبب به هم ریختن بنای زندگی‌شان شده است و حالا پسرش را مأمور خرید موادمخدر کرده است و معتقد است که پلیس به او شک نمی‌کند. اما کیانوش به همین راحتی حاضر به خرید مواد نبوده است که پدر معتاد با نقشه‌ای تازه به سراغش می‌آید و کیانوش را به دنیای سیاه خود می‌کشاند و با تباه‌کردن آینده‌اش، پسر نوجوانش را رفیق مصرفش می‌کند و حالا دونفری با هم پای بساط می‌نشینند. هم‌زمان با تشکیل پرونده برای این موضوع، گروهی دیگر از افسران کلانتری آبکوه به دستور سرهنگ لطفی، رئیس کلانتری، دو نوجوان هفده‌ساله را با اتهام سرقت به واحد مشاوره کلانتری منتقل می‌کنند. مأموران از این نوجوان‌ها یک گوشی کشف کرده بودند که هفته گذشته در خیابان جمهوری مفقود شده بود. افسران کلانتری در ارتباط با مال‌باخته متوجه شده بودند که این فرد هنگام پارک خودرو در حاشیه خیابان، چون وسیله زیادی در دست داشته است، گوشی را برای لحظاتی روی سقف خودرو می‌گذارد تا بتواند در خودرو را قفل کند. اما دیگر فراموش می‌کند آن را بردارد و به خانه می‌رود. او دقیقا دو دقیقه بعد یاد گوشی‌اش می‌افتد و به‌سرعت به خیابان می‌آید اما خبری از گوشی‌اش نبوده است و موضوع را به پلیس اعلام می‌کند. حالا مأموران چند روز پس از گزارش مفقودی، با دو نوجوان در یکی از ایستگاه‌های اتوبوس روبه‌رو شده بودند که همان گوشی سرقتی دستشان بود. اما آنچه مأموران را به دو نوجوان مشکوک کرد، صحبت‌ها و شوخی‌های آن‌ها بود. دو نوجوان هفده ساله غافل از اینکه مأموری با لباس شخصی در چند قدمی آن‌هاست، از فروش گوشی تلفن همراهی صحبت می‌کردند که در دست داشتند، البته به‌دنبال راهی بودند که بدون جلب توجه پلیس بتوانند گوشی را با قیمت بهتری بفروشند. صحبت‌هایی که درنهایت سبب ورود پلیس به موضوع شد و دو پسر نوجوان به کلانتری آبکوه منتقل شدند. فرهاد و عرشیا با یکدیگر دوست هستند و فرهاد ساکن یکی از شهرهای استان است. تلاش آن‌ها برای اینکه پلیس را متقاعد کنند گوشی را پیدا کرده‌اند به نتیجه نرسید، زیرا این اظهارات با صحبت‌های دوستانه میان آن‌ها پیش از دستگیری اختلاف فاحشی داشت. هم‌زمان با ارتباط‌گرفتن پلیس با خانواده دو نوجوان و همچنین دعوت از پدر کیانوش در پرونده کشف مواد، با دستور سرهنگ لطفی، پرونده این نوجوان‌ها به مقام قضایی سپرده شد تا تصمیم نهایی برایشان گرفته شود.

جهان حوادث

مرگ ۴۹ مسافر در صحرای آفریقا از تشنگی

ایسنا| مقامات جمهوری نیجر اعلام کردند که ۴۹ نفر از مسافران یک کامیون پس از خراب شدن و توقف آن در منطقه‌ای دورافتاده از صحرای بزرگ آفریقا در شمال این کشور، بر اثر تشنگی جان خود را از دست داده‌اند. این گروه در حال بازگشت از یک مراسم آیینی از کشور مالی بودند که در بین راه، ذخیره آب آن‌ها تمام شد و در هشتاد کیلومتری غرب «آساماکا»، یک نقطه مرزی مهم بین نیجر و الجزایر، سرگردان شدند. فقط دو نفر از سرنشینان کامیون جان سالم به در بردند و با پای پیاده از بیابان به سمت آساماکا رفتند و در آنجا مقامات را مطلع کردند. بررسی‌ها نشان داده است که این کامیون از شهر «تلهاندک» در مالی حرکت کرده اما از مسیر تعیین شده منحرف شده است. راننده و مسافران چندین روز تلاش‌های مکرری برای تعمیر وسیله نقلیه انجام دادند، اما تلاش‌های آن‌ها درنهایت بی‌نتیجه مانده بود. پس از رسیدن مقامات به محل حادثه، ده‌ها جسد بی‌جان در زیر کامیون بی‌حرکت و اطراف آن پیدا شد. قربانیان توسط تیم امداد و نجاتی که از سوی مقامات محلی به منطقه اعزام شده بودند، درگورهای دسته جمعی دفن شدند.

پلیس مشهد در جریان رسیدگی به ۲پرونده سرقت، ۴متهم را دستگیر کرد

رازپژو سبز لجنی برملا شد

سعید جلائیان

گزارش

مسیر تعقیب وگریز به یکی از شریان‌های اصلی شهر رسید؛ احتمال داشت متهمان با سوءاستفاده از ترافیک متواری شوند. مأموران گشت کلانتری میدان جهاد با توجه به این موضوع، پس از هشدارهای پیاپی و با رعایت قانون به‌کارگیری سلاح، تیر هوایی شلیک کردند. گلوله‌ای که ترس را به جان دوسرنشین پژو۴۰۵ سبزرنگ انداخت. متهمان که نمی‌خواستند به خاطر یک سرقت جانشان به خطر بیفتد، باکم‌کردن سرعت در حاشیه خیابان متوقف شده و تسلیم پلیس شدند.

ماجرای این پرونده به چند روز قبل بازمی‌گردد. در یک بازه زمانی کوتاه، گزارش‌های متعدد سرقت لاستیک و تجهیزات خودرو از محدوده کوهسنگی به پلیس اعلام شد. این گزارش‌ها سبب شد تا سرهنگ حسن آخوندی، رئیس کلانتری میدان جهاد، با صدور دستورات تخصصی، مسئولیت رسیدگی به این پرونده را به‌گروهی از مأموران دایره تجسس این کلانتری محول کند. هم زمان با آغاز تحقیقات پلیس برای شناسایی و دستگیری متهمان پرونده، یک کارگر ساختمانی با مراجعه به‌کلانتری میدان جهاد، خواستار کمک پلیس برای دستگیری و بازگرداندن تجهیزات و ابزار کار ساختمانی به ارزش صدها میلیون تومان شد.

این کارگر در گفت‌وگو با رئیس کلانتری میدان جهاد، یک تبعه خارجی را به این سرقت متهم کرد و مدعی شد که او از سر دلسوزی، این فرد را که از هم‌وطنانش است، برای کار به یک پروژه ساختمانی آورده است، اما او به ازای این خوبی، از ساختمان ابزارهایی شامل فرز، دریل، دستگاه جوش، اتصالات آب و... را دزدیده است. اموالی که کارفرمایش تهدید کرده اگر آن‌ها را برنگرداند نه تنها حقوقی به من نمی‌دهد، بلکه پول لوازم را از من خواهد گرفت. با توجه به اینکه پیش از این هم پرونده رسیدگی به سرقت از کارگاه‌های ساختمانی در این مرکز پلیس باز بود، با دستور رئیس کلانتری میدان جهاد، رسیدگی به این پرونده هم‌زمان در اولویت کاری مأموران دایره تجسس قرار گرفت.

در گام نخست رسیدگی به این دو پرونده، مأموران پس از انجام تحقیقات میدانی از محدوده وقوع جرائم به این نتیجه رسیدند که سرقت لوازم خودرو هرچند در معابر شلوغ انجام شده اما کسی متهمان را ندیده است و در بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته نیز سارق یا سارقانی، درحالی‌که به همراه لوازم خودرو در حال تردد باشند، دیده نشد. تیم تحقیق به این نتیجه رسید که سارقان از یک خودرو برای انجام این جرائم استفاده می‌کنند. هم زمان با فعال شدن گشت‌های هدفمند، مأموران پس از بازبینی دوربین‌های مداربسته، موفق به شناسایی یک دستگاه پژو سبز لجنی شدند که در زمان وقوع این جرائم از محل تردد داشته است. در راستای تلاش مأموران برای چهره زنی سرنشینان این پژو، مشخصات ظاهری این خودرو در اختیار تیم‌های گشت پلیس قرار گرفت.

پژو سبز، صندوق به صندوق دنا

تلاش پلیس برای شناسایی متهمان ادامه داشت تا اینکه مأموران کلانتری میدان جهاد، حین گشت زنی در مناطق آسیب پذیر با یک دستگاه پژو لجنی مواجه شدند که با صندوق عقب باز، کنار یک دستگاه سواری دنا توقف کرده بود. مأموران که به این خودرو مظنون شده بودند، برای بررسی بیشتر تغییر مسیر دادند. هم‌زمان با حضور خودروی پلیس، پسر جوانی که وسط خیابان ایستاده بود، داد زد: «پلیس» و به سمت خودروی پژو سبز لجنی دوید. صدای پسر جوان، سبب هوشیاری متهمی شد که مشغول باز کردن لاستیک یک دستگاه سواری دنا بود. متهم از جا برخاست و با بستن صندوق عقب پژو، پشت فرمان خودرو نشست. پس از اینکه پژو سبز لجنی با سرعت زیاد به حرکت درآمد، مأموران که مطمئن بودند این دو متهم همان سارقان لوازم و لاستیک خودرو هستند، ضمن گزارش مشاهده و مسیر حرکت متهمان به مرکز، عملیات تعقیب وگریز آن‌ها را آغاز کردند.

تعقیب وگریز گشت پلیس و پژو سبز در حالی ادامه داشت که متهمی که پشت فرمان نشسته بود به شکل خطرناکی رانندگی می‌کرد. مأموران که دیدند متهمان با این رانندگی پرخطر ممکن است جان شهروندان را به خطر بیندازند با رعایت قانون به‌کارگیری سلاح، پس از هشدارهای پیاپی به متهمان، یک شلیک هوایی انجام دادند. تیر هوایی سبب شد متهمی که تا این لحظه دیوانه‌وار رانندگی می‌کرد، همچون یک شهروند قانون‌مدار با زدن راهنمای سمت راست خودرو، در حاشیه خیابان توقف کند. مأموران دو متهم را از خودرو خارج و آن‌ها را دستگیر کردند. پس از انتقال متهمان به مقر پلیس، مأموران در بازرسی از صندوق عقب آن‌ها، یک عدد لاستیک و رینگ اسپرت خودروی دنا را به همراه لوازم و آچارآلات مخصوص سرقت لاستیک کشف کردند. لوازمی که متهمان ساعتی پیش از دستگیری، از یک دستگاه دنا در هسته مرکزی شهر سرقت کرده بودند.

دستگیری نگهبان ساختمانی به اتهام سرقت از ساختمان

هنوز تحقیقات پلیس از متهمان برای کشف جرائم احتمالی متهمان ادامه داشت که هم زمان سرنخ جدیدی از پرونده سرقت لوازم ساختمانی به دست آمد. با دستور رئیس کلانتری میدان جهاد، گروهی از مأموران دایره تجسس این کلانتری در محدوده وقوع جرائم به سراغ کارگران ساختمانی رفتند. تیم تحقیق پس از گفت‌وگوی مفصل با تعدادی از کارگران، موفق شدند شماره تلفن و اطلاعات زیادی از متهم به دست بیاورند. طبق اطلاعات به دست آمده، پلیس در جریان تحقیقات دریافت که متهم به طور غیرمجاز از مرز زمینی وارد ایران شده و در محل کار یکی از اقوام خود در محدوده الهیه مخفی شده است. تیم تحقیق با استفاده از تجهیزات نوین پلیس و با هماهنگی مقام قضایی، موفق به ردزنی مخفیگاه متهم شد. پس از ردزنی مخفیگاه متهم، مأموران در یک عملیات ضربتی او را در حالی که به عنوان نگهبان یک ساختمان مشغول به‌کار شده بود، دستگیر کردند.

پس از دستگیری متهم، مأموران در بازرسی از مخفیگاهش، موفق به کشف تعدادی لوازم سرقتی و مبالغی پول نقد شدند. متهم در همان بازجویی اولیه در محل اعتراف کرد که این پول‌ها را به ازای فروش اموال سرقتی به یک هم‌وطن مال خرش به دست آورده است. در ادامه رسیدگی به این پرونده، مأموران با توجه به اینکه احتمال می‌رفت مال خر پس از شنیدن ماجرای دستگیری متهم متواری شود، پس از اینکه متهم با مال خرش برای فروش لوازم سرقتی جدید قرار گذاشت، مأموران در عملیاتی ضربتی ضمن ورود به مخفیگاه مال خر، او را هم دستگیر و اموال سرقتی مالکان مجتمع‌های در حال احداث را کشف و ضبط کردند. در حالی که تحقیقات پلیس در هر دو پرونده ادامه دارد، هر چهار متهم با دستور مقام قضایی به زندان معرفی شدند.

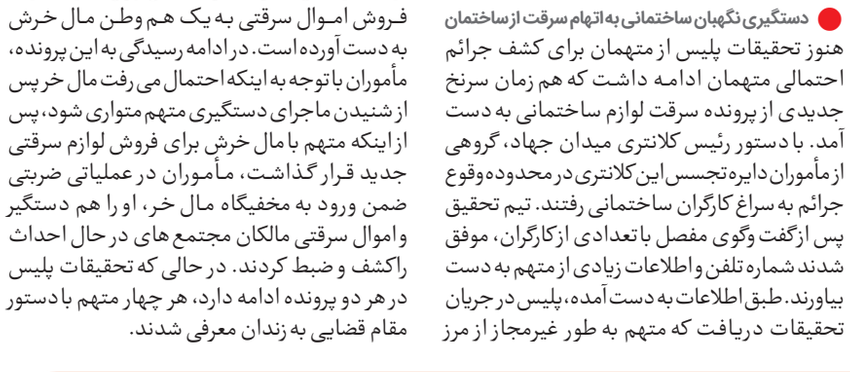

عکس: اختصاصی شهرآرا

ایستادن قطار اهدای عضو در مشهد، قائن و بجنورد

حادثه داغ

ابوعطا| اگر پیوندهای اهدای عضو را شبیه قطاری درحال حرکت درنظر بگیریم، این قطار زندگی بخش در روزهای گذشته از مشهد حرکت کرد و در ایستگاه‌های قائن و بجنورد متوقف شد تا جان دو بیمار نیازمند به عضو را در این شهرها از خطر مرگ نجات دهد.

در تازه‌ترین جراحی اهدای عضو، پزشکان بیمارستان امام زمان(عج) با اعلام مرگ مغزی زنی میان سال که در این بیمارستان بستری بود، از خانواده‌اش خواستند تا با موافقت اهدای اعضای قابل پیوند، از به سوگ نشستن چند خانواده شبیه خودشان جلوگیری کنند. توصیه‌های طلایی پزشکان، منجر به اعلام رضایت این خانواده شده و پس از تکمیل فرم اهدای عضو، پیکر زنده یاد فاطمه زنگنه بایگی که در بهار چهل و یک سالگی‌اش هم‌نشین افلاکیان شده بود، به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در بیمارستان منتصریه منتقل شد.

در پی این جراحی که سی و چهارمین جراحی اهدای عضو در سال ۱۴۰۵ بود، کلیه‌های این جان بخش توسط تیم پیوند کلیه بیمارستان منتصریه به مردی چهل و شش ساله ساکن قائن و یک زن سی و چهار ساله ساکن مشهد در این مرکز پیوند شد.

همچنین کبد زنده یاد فاطمه زنگنه بایگی در بیمارستان منتصریه به زنی پنجاه و چهار ساله از بجنورد که از نارسایی کبدی رنج می‌برد، پیوند شد.

عکس خبر

محبوس‌شدن مرد جوان به‌دلیل سوختن خانه همسایه

عکس: روابط عمومی آتش‌نشانی

جلائیان| اواخر شب گذشته، وقوع آتش‌سوزی گسترده در یک ساختمان چهارطبقه در محدوده بولوار موسوی‌قوچانی به آتش‌نشانی گزارش شد. به دنبال اعلام این حادثه، بلافاصله تیم‌های امداد و نجات آتش‌نشانی از دو ایستگاه، به همراه تجهیزات کامل اطفا و نجات، به محل اعزام شدند. پس از حضور امدادگران در محل، مشخص شد منشأ حریق طبقه دوم این ساختمان بوده و یکی از ساکنان نیز در طبقات فوقانی محبوس شده است. برای نجات این فرد در گام نخست، امدادگران با ایجاد مسیر امن، جوان محبوس شده را سالم از ساختمان خارج کردند و در ادامه با استفاده از تجهیزات فنی، حریق را خاموش کردند.

جدول ۴۵۷۴

پاسخ جدول ۴۵۷۳
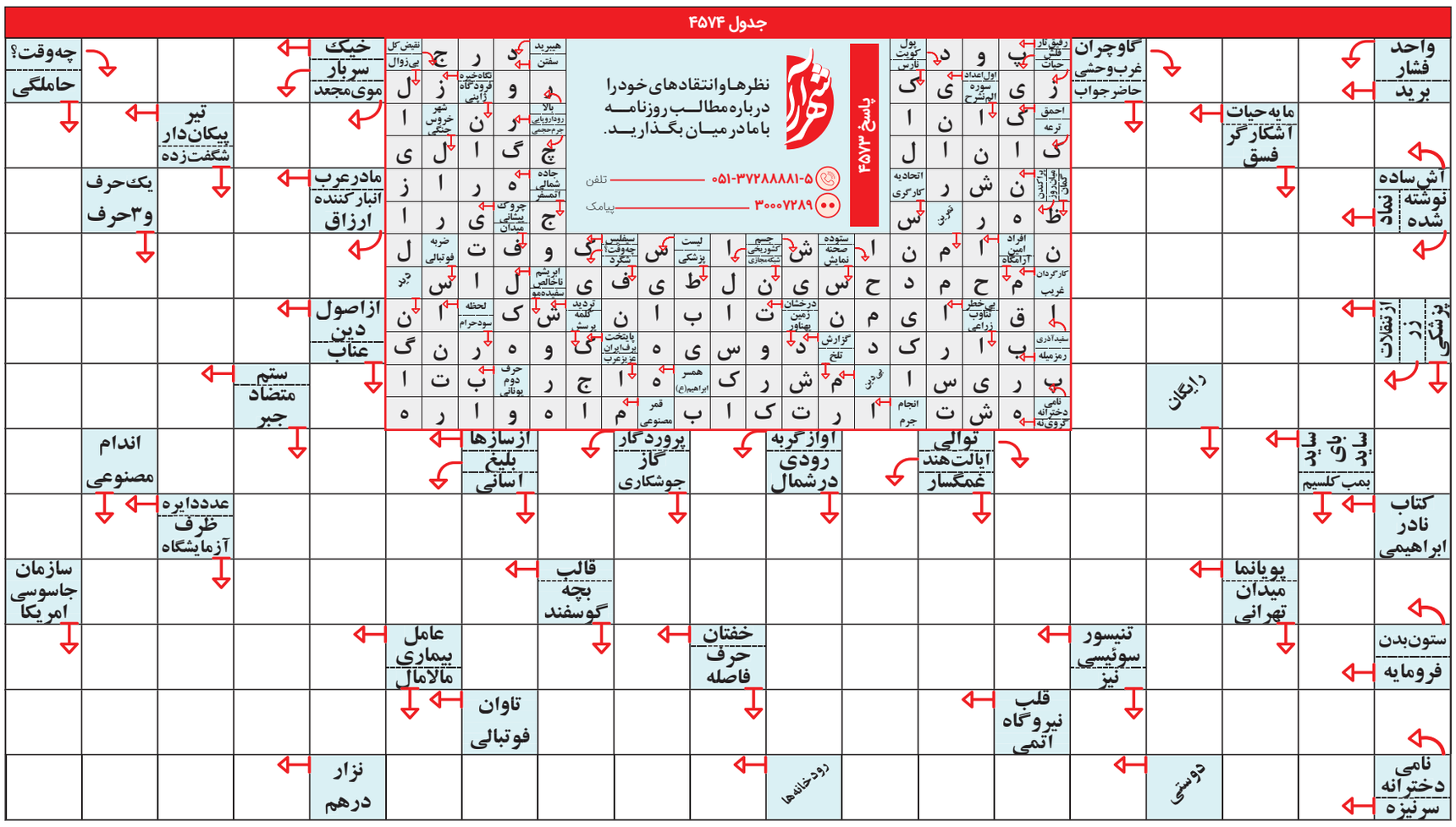
نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹